

## افسانه های حاجی فیروز: نموده های نژادپرستانه ی تخت حوضی ایرانی

توسط بیتا بقولی زاده | سازه های فرهنگی نژاد و نژادپرستی در خاورمیانه و شمال آفریقا/ جنوب غربی آسیا و شمال آفریقا > <https://csalateral.org/archive/forum/cultural-constructions-race-racism-middle-east-north-africa-southwest-asia-mena-swana>

ترجمه توسط الهه نژادحسین

خلاصه: هر ساله حوالی فرارسیدن بهار، ایرانیان در ایران و خارج از کشور، دلچسپ سیاه چهره ای به نام حاجی فیروز را با طنین زنگ نوروزی اش می شناسند. گنجاندن حاجی فیروز در جشن های نوروزی دهه هاست که مورد سوال و چالش قرار گرفته است. در حالی که برخی به ارتباط او با ضدیت با سیاه پوستان اشاره میکنند، دیگران با این استدلال که صورت او فقط با دوده ناشی از آتش های مربوط با جشن ها پوشیده شده است، از حاجی فیروز دفاع میکنند. این مقاله این مباحث را به عنوان بخشی از گفتمان بزرگتر انکار نژادپرستی در ایران و تلخ تر از آن، حذف کردن کامل تاریخ برده داری ایران زمینه یابی میکند. این مقاله عواقب و خطرات دفاع از اجرای حاجی فیروز سیاه چهره و پیامدهای آن برای جامعه بزرگ ایرانی را مورد بررسی قرار میدهد

کلید واژه ها: ضدیت با سیاهان - سیاه چهره - حاجی فیروز - ایران - تخت حوضی - نوروز - برده داری

The original, English-language version of this article is published in *Lateral* 10.1 (2021) at <https://doi.org/10.25158/L10.1.12> < <https://doi.org/10.25158/L10.1.12>

برای سایت این نسخه:

حوضی ایرانی، "مترجم الهه بیتا بقولی زاده "افسانه های حاجی فیروز: نمود های نموده های نژادپرستانه ی تخت (نژادحسین، لترال ۱۰.۱ (۲۰۲۱)

<https://doi.org/10.25158/L10.1.12> < <https://doi.org/10.25158/L10.1.12>

هر سال بهار ایرانیان نوروز را با یک طنین صدای محبوب جشن میگیرند:

اریاب خودم سرت و بالا کن "  
اریاب خودم چرا نمیخندی؟  
نوروزه، سالی یه روزه!

و مردی با لباس "حاجی فیروز" این شعر به ظاهر بی ضرر را میخواند. ظاهرش به یک لباس قرمز احتیاج دارد و یک دایره زنگی و از همه مهم تر یک صورت سیاه شده

\*\*\*

در سال ۲۰۱۲ میلادی (۱۳۹۱ شمسی)، من در مورد نژاد در ایران سخنرانی ای کردم و ریشه های حاجی فیروز را در تاریخ برده داری ایران شرح دادم. مخاطبان، ترکیبی از دانشجویان و اعضای جامعه ایرانیان منطقه بزرگ تهرانجلس، سخنرانی من را با ترکیبی از تشویق و هو کردن پاسخ دادند. یک نفر بلند شد و گفت "هر چه گفتید اشتباه است. من برای شما منبعی می آوردم که ثابت کند حاجی فیروز واقعا از کجاست." روز بعد او یک بحث دست نوشته به من تحویل داد، "حاجی فیروز

کیست و از کجا آمده است؟<sup>۳</sup> متن یادداشت او را به عنوان یک شخصیت باستانی شاد و بشاش توصیف میکند که چهره ی سیاه شده اش در تاریخ زرتشتی ریشه دارد.<sup>۴</sup>

حاجی فیروز تاریخ طولانی ای دارد، اما نه آنقدر که برخی فکر میکنند. طرفدارانش بر ریشه های باستانی او اصرار دارند، و چهره ی سیاه شده اش را با هزاران افسانه توجیه میکنند. اما سوابق قاصد نوروژی به نام حاجی فیروز کمتر از یک قرن قدمت دارد، که بیشتر به بعد از لغو برده داری در ۱۹۲۹ میلادی (۱۳۰۸ شمسی) مربوط می باشد.<sup>۵</sup> این مقاله شجره نامه های معروف پیرامون حاجی فیروز را مورد بررسی قرار میدهد و اینکه چطور این شجره نامه ها نقش نژاد پرستی را در شکل گیری این شخصیت نوروژی مبهم میکنند

\*\*\*

سیاهی به عنوان نشانگر مشخصی در تاریخ برده داری و نژاد در ایران به کار میرود. در طول قرن ها واژه ی سیاه بسط یا تخفیف یافته تا گروه های مختلفی از مردم را شامل شود. در دوران صفویه، سیاه به مردم آسیای جنوبی، به طور خاص <https://csalateral.org/forum-cultural-constructions-race-racism-middle-east-north-africa-southwest-asia-mena-swana-myths-haji-firuz-racist-contours-iranian-minstrel-baghoolzadeh-fa/#fn-6> < خواجه گان به بردگی گرفته شده، اشاره داشت.<sup>۶</sup> در اواخر قرن نوزدهم، سیاه به مردم آفریقای شرقی که توسط ایرانیان [iranian-minstrel-baghoolzadeh-fa/#fn-6](https://csalateral.org/forum-cultural-constructions-race-racism-middle-east-north-africa-southwest-asia-mena-swana-myths-haji-firuz-racist-contours-iranian-minstrel-baghoolzadeh-fa/#fn-6) مرفه و سلطنتی به بردگی گرفته شده بودند اشاره داشت. در حالی که قبل تر، جوامع دیگری از جمله قفقازی ها، مردم آسیای میانه و آسیای جنوبی تحت بردگی قرار گرفته بودند، تغییرات ژئوپلیتیکی مردم آفریقای شرقی را آسیب پذیر تر کرد، بدین گونه سیستم برده داری ایران را تا جایی نژادپرستانه میکند که تقریباً هر کسی که "سیاه" خطاب میشد به احتمال زیاد برده بود

قراردادهایی که نوید خاتمه بخشیدن به تجارت برده ی خلیج فارس را میدادند بارها منعقد و فسخ میشدند تا اینکه در سال ۱۹۲۹ میلادی (۱۳۰۸ شمسی)، کابینه ی رضا شاه فرمان لغو برده داری را صادر کرد تا در صحنه ی بین المللی مدرن و غربی ظاهر شود. بدین ترتیب، هر گونه اشاره به بردگی گرفتن مردم از فضاهای عمومی حذف شد. هنگامی که شاه افسانه ی آریایی بودن را تایید و پذیرفت،<sup>۷</sup> افسانه ای که مدعی بود که ایرانیان وارثان میراث نژادی سفید باستان هستند،<sup>۸</sup> مردم آزاد شده، که اکثراً از نژاد آفریقایی بودند نیز حذف شدند. اما استثنای بزرگ این حذف ها به سیاه بازی وارد شد، نمایش های تخت حوضی سیاه چهره ای که مردم برده را مسخره میکرد. با کمرنگ شدن حافظه جمعی و تابو شدن ایده برده داری ایرانی، این نمایش ها محبوبیت بیشتری پیدا کردند و توضیحات دیگری برای توجیه و حفظ آنها پدیدار شد

اجراهای "سیاه بازی" در اواخر قرن نوزدهم در دربار قاجار شکل گرفت. دوباره واژه ی سیاه تغییر پیدا کرد، حالا به شخصیتی اشاره دارد که با صورت سیاه روی صحنه ظاهر میشود. این نمایش ها معمولاً در دربار یا محافل اعیان و در تمام طول سال اجرا میشد که انتقادات اجتماعی گسترده را به زندگی روزمره مخاطبان مرتبط میکرد.<sup>۹</sup> این نمایش ها، شبیه تئاتر دلقک سیاه چهره ("تئاتر دلقک سیاه چهره" ژانری از تئاتر است که شامل تمسخر مردم سیاه پوست میشود که نه تنها در ایالات متحده و اروپا، بلکه در خاورمیانه هم اجرا میشود) در ایالات متحده، به مضارب و اشکال دیگر کمدی، از طریق موسیقی، آواز، رقص و همینطور جکهای که مبتنی بر سوتفاهم و برقراری نادرست ارتباطند متکی هستند. در دوران پهلوی، سیاه بازی از نمایش درباری که برای خانواده سلطنتی اجرا میشد، به نمایشی تبدیل شد که در خیابان ها و تئاترهای مراکز عمده شهری در سراسر ایران دیده میشد

البته میراث برده داری در سیاه بازی بسیار خاص است. در حالی که نخبگان و ثروتمندان ایرانی زنان، مردان و خواجگان را به بردگی گرفته بودند، سیاه بازی کاریکاتورهای خواجگان را مورد هدف قرار داد. خواجه گان به عنوان نگهبان حرمسرا خدمت میکردند و به عنوان محرمان، مدیران معتمد امورات روزمره دربار بودند. خواجه گان عالی رتبه قدرت بیشتری نسبت به بسیاری از اعضای آزاد دربار داشتند.<sup>۱۰</sup> شناخته شدن آنها به شکل بیش از حد جنسی یا بدون جنسیت – به عنوان مردانی که نیاز بود اخته شوند تا بتوانند آزادانه و بدون بد گمانی با زنان دربار تعامل کنند – یک موضوع اصلی در سیاه بازی است. حتی نام شخصیت های سیاه اغلب مبارک یا حاجی فیروز، از نام های محبوب بردگان در ایران و منطقه خلیج فارس گرفته شده است.<sup>۱۱</sup>

با اینحال، نمایش موضوع اصلی سیاه بازی – یک ساده لوح مستعد اشتباهات – با تصویر خواجه، به مخاطب یادآوری میکند که هر چقدر هم که خواجه قدرت داشته باشد، همچنان یک برده است و به عنوان برده در برابر بدنامی آسیب پذیر است. سیاه در سیاه بازی با صدایی با فرکانس بالا (زیر) صحبت میکند، فارسی اش لهجه دارد، به ارباب خود نزدیک است، امورات اربابش را مدیریت میکند و غیره. او اغلب هوس باز است اما یار درخوری نیست.<sup>۱۲</sup> به طور خلاصه، سیاه مستقیماً از کلیشه های خام در مورد خواجه گان در عصر قاجار گرفته شده است

حاجی فیروز از سیاه بازی برآمد و محبوبیتش به رشد این اجراها در دهه های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ میلادی (۱۳۰۰ و ۱۳۱۰ شمسی) در تهران گره خورده است.<sup>۱۳</sup> در حالی که سیاه بازی در محدوده کلی خود باقی ماند، حاجی فیروز با سال نو پیوند خورد.<sup>۱۴</sup> ظاهر قابل توجه و طنین زنگ صدایش او را به یک وسیله قابل شناسایی در جشن های نوروز تبدیل کرد. از آنجایی که شاهان پهلوی خود را به عنوان وارثان ایران باستان معرفی میکردند، ملی گرایان ایرانی تلاش کردند تا مثال هایی از تئاتر "مردمی" که به اسلام ارتباطی ندارد را به عنوان گواهی بر عمق فرهنگ عامه بیابند.<sup>۱۵</sup> سیاه بازی به عنوان یک ژانر تئاتر برای خودش شناخته شد و بازیگرانی مثل سعدی افشار تمام حرفه ی خود را حول شخصیت سیاه بنا کردند و به شهرت ملی دست یافتند.<sup>۱۶</sup>

جنبش مردمی دفاع از حاجی فیروز، بعد از انقلاب برجسته شد. در حالی که برخی روایات در دوران پهلوی شکل گرفته بود، آنها در واکنش به جمهوری اسلامی و کنترلش بر فرهنگ عمومی ایران مرسوم تر و تند تر شدند. آیت الله خمینی به متهم کردن ایالات متحده آمریکا به مظهر بی عدالتی، از جمله نژادپرستی، شهرت داشت.<sup>۱۷</sup> و جمهوری اسلامی خود را به شکل رهبر جنبش های ضد امپریالیستی برای جهان جنوب (جهان سوم) درآورد. اما سیاه بازی شهرت جمهوری اسلامی را به عنوان یک نیروی بین المللی ضد نژادپرستی به خطر انداخت، چراکه غیر ایرانی ها بدون شک آن را به عنوان سیاه چهره خواهند شناخت. برای کاهش این مساله، مقامات دولتی سیاه بازی را در سالهای اولیه جمهوری اسلامی سرکوب کردند. برخی از بازیگران تئاتر سیاه بازی به نمایش های خود ادامه دادند اما از رنگ کردن صورت خود اجتناب کردند. حاجی فیروز ها معمولاً توبیخ و گاه دستگیر میشدند. از آنجا که جمهوری اسلامی اشکال خاصی از موسیقی و رقص در ملا عام را هم به دلایل مذهبی ممنوع کرده بود، بسیاری از افراد سیاست های جدید را به عنوان "ضدیت با خوشحالی" دیدند و قادر به رفع دلایل نژادی نبودند که باعث میشد ممنوعیت حاجی فیروز متفاوت از دلایل مربوط به کنترل موسیقی باشد.<sup>۱۸</sup> به دلیل ارتباط او با نوروز، <https://csalateral.org/wp/wp-admin/post.php?post=9145&action=edit#fn-18> جشنهای مربوط به قبل از اسلام، دفاع از حاجی فیروز، برای کسانی که احساس میکردند در مقابل جمهوری اسلامی قرار دارند، اهمیت ویژه ای پیدا کرد

از آنجا که این تغییرات سیاسی وجود حاجی فیروز را تهدید میکرد، کسانی که از او دفاع میکردند توضیحات چندگانه ای را ارائه دادند. برخی چهره سیاه او را به دوده ناشی از آتش سوزی های چهارشنبه سوری نسبت دادند که ایرانیان در آخرین سه شنبه ی سال از روی آن میپزند، در حالی که دیگران اظهار داشتند که حاجی فیروز در واقع موبد زرتشتی ای بوده است که صورتش از نزدیک شدن به آتش مقدس سیاه شده. با این حال، من هرگز به روایتی برنخورده ام که کسی به دلیل از روی آتش پریدن چهره اش سیاه شده باشد، و همچنین ایده ی اینکه حاجی فیروز یک موبد زرتشتی بوده با عقاید زرتشتیان در مورد پاکی و پاکیزگی جور در نمی آید. در هر دو مورد، در توضیحات مثال هایی ذکر شده است که در ایران بومی یا باستانی شناخته میشود و استدلالات غیر منطقی ای آورده میشود تا آنها را به حاجی فیروز به عنوان بخشی از میراث فرهنگی جمعی متصل کند

با این حال، به تدریج توضیحات پیچیده تری هم شکل گرفت، تا جایی که برخی او را حلول روح سیاوش، شخصیتی در شاهنامه فردوسی توصیف کردند. شاهنامه، حماسه ای از قرن دهم، در میان ملی گرایان که آن را پاسدار گذشته و فرهنگ ناب ایرانی پیش از اسلام میدانستند در قرن بیستم اهمیت یافت. شاهنامه سیاوش را به عنوان یک شاهزاده جوانمرد و باوقار معرفی میکند. نام او سیا-وش، در اصل سیا-وخش، در اصل به اسب سیاه او اشاره دارد.<sup>۱۹</sup> با گذشت زمان، تلفظ سیاوخش نادر شد که به مدافعان حاجی فیروز در قرن بیستم این اجازه را میداد که او را به "ظاهر سیاه" تفسیر کنند که با توجیهاتشان سازگار شود. این با ریشه شناسی های پیشامدرن نام همسو نیست، و در شاهنامه هیچ اشاره ای به اینکه او سیاهپوست یا شوخ بوده نیست.<sup>۲۰</sup> با این حال، در سال ۱۹۸۳ میلادی (۱۳۶۲ شمسی)، مهرداد بهار حاجی فیروز را به سیاوش، خدایان بین النهرین و آیین های زندگی پس از مرگ مرتبط نمود. بهار حاجی فیروز را سیاوش برخاسته از مرگ، با صورت سیاه شده یی خاکستری، بازگشته به دنیای زنده توصیف میکند.<sup>۲۱</sup> توصیفات بهار، هر گونه پیوند مستقیم بین شخصیت حاجی فیروز و کاریکاتور بردگان آفریقایی در دربار قاجار را نادیده میگیرد. او همچنین اشاره ای هم به این نکرده است که چرا یک شاهزاده ی احیا شده فارسی دست و پا شکسته حرف میزند و اصطلاحات رعیتی مثل صدا کردن ارباب خود را به کار میبرد. در عوض بهار روایت هایی که در دوران پهلوی شکل گرفته بود را تکرار کرد، حذف هر گونه اشاره به بردگی یا نژاد، و توضیحی را ارائه کرد که حضور حاجی فیروز را در جشن های نوروزی توجیه میکند و وجودش را به یک سرمایه فرهنگی که به خاطر تاریخ باید حفظ شود نشان داد. ربط دادن حاجی فیروز به عناصر ایران پیش از اسلام، چه از طریق ایده های تحریف شده زرتشتی یا اشتباه تعبیر کردن شخصیت های شاهنامه، حاجی فیروز را به عنوان یک شخصیت فرهنگی که وجودش توسط یک حکومت اسلامی تندرو تهدید شده است نشان میدهد

همزمان، تمثال های مادی حاجی فیروز و جادادن تصویرش در سنت های نوروزی بیشتر رایج شد. از عروسک های نخي حاجی فیروز که توسط بیماران نابینا ساخته شده بود تا برای بنیاد کهریزک پول جمع کنند، تا کارتهای تبریک حاجی فیروز که دایره زنگی اش را میزد، حاجی فیروز به طور مداوم با لباس قرمز، کلاه گرد و چهره ی سیاه شده به تصویر کشیده شده

است.<sup>۲۲</sup> تمام این نمایانگرهای مادی به یک صورت سیاه شده متکی هستند تا به صورت بصری نشان دهند که این کالا حاجی فیروز است. یک عروسک یا تصویر بدون صورت سیاه ممکن است حتی به عنوان یک حاجی فیروز شناخته نشود، و احتمالاً با یک عروسک که لباس قرمز پوشیده اشتباه گرفته شود. البته اهمیت صورت سیاه شده در اجرای زنده کم میشود، چرا که سایر ویژگی ها مثل لهجه یا طرز رفتار میتوانند کاریکاتور نژادی را در غیاب صورت سیاه به مخاطب نشان دهد

من در سال ۲۰۱۵ میلادی (۱۳۹۴ شمسی)، با جواد انصافی، بازیگر سیاه بازی در تئاتر محراب تهران ملاقات کردم. انصافی که از دهه ۱۹۷۰ میلادی (۱۳۵۰ شمسی) در رادیو، تلویزیون، فیلم ها و روی صحنه اجرا کرده است، قبل از حضور در صحنه ی نمایش چله زری و عمو چله جون، در مورد تجربیاتش در تئاتر با من صحبت کرد. انصافی من را به اتاق گریم راهنمایی کرد تا در مورد سیاه بازی، تاریخچه ی آن و تجربیاتش صحبت کنیم.<sup>۲۳</sup> همسرش، فروغ یزدان عاشوری هم که در نمایش آن شب اجرا داشت به گفتگو پیوست

انصافی بحث را با ریشه های باستانی این ژانر آغاز کرد، که به گفته ی او به دوره ی پیش از اسلام در سنگ نگاره هایی که زندگی درباریان را نشان میداد بازمیگشت. وی گفت: "همیشه دلچکی وجود دارد، و این همانجایی است که سیاه از آنجا می آید". اما سنگ نگاره ها رنگی نیستند، پس از او در مورد اینکه چهره سیاه از کجا می آید بیشتر پرسیدم. انصافی صورت سیاه را به عنوان جزییات حاشیه ای توصیف کرد، شیوه ای تصویری که خنده دارترین شخصیت روی صحنه را برجسته میکند. او در مورد حاجی فیروز هم همین استدلال را مطرح کرد: "نیازی نیست که حاجی فیروز صورت سیاه داشته باشد." در واقع در سالهای اخیر، انصافی در نقش حاجی فیروز با لباس قرمز، بدون چهره ی سیاه شده در تلویزیون ظاهر شده است. با این حال، کتاب انصافی در مورد سنت های نروزی شامل شرح زیر است

در بعضی شهرها از جمله تهران در نزدیکی نورو دو نفر یکی سیاه (حاجی فیروز) و یکی پیرمرد (عمو نورو) می "آمدند و میخواندند و با جملات حالت نمایشی نیز بازی میکردند که باعث شادی و خنده مردم میشد."<sup>۲۴</sup>

اگرچه انصافی اظهار داشت که حاجی فیروز به چهره سیاه شده نیازی ندارد، نوشته های خودش تاکید دارد که سیاهی عنصر تعیین کننده ی شخصیت اوست

توصیف انصافی از حاجی فیروز، که نیازی به چهره ی سیاه شده نیست، را میتوان به عنوان تلاشی معنادار برای حفظ این شخصیت در برابر ضدیت دولت فهمید.<sup>۲۵</sup> انصافی که در چند دهه گذشته به عنوان یک سیاه بازی کرده است، به یاد می آورد که مقامات مختلف دولتی از بخش های مختلف، در دوران اوایل جمهوری اسلامی، نزد او رفتند و از او خواستند - یا شاید به طور جدی پیشنهاد دادند - که او چهره اش را برای اجرای نمایش هایش سیاه نکند. به این ترتیب، او سیاه کردن چهره اش را در نقش های تلویزیون دولتی کنار گذاشت.<sup>۲۶</sup> نقش او به عنوان سیاه، نسبتاً بدون تغییر باقی ماند. "من میگویم شما نمیخواهید که چهره ی سیاه شده داشته باشم؟ خوب، این چیزی از بقیه نمایش تغییر نمیدهد."<sup>۲۷</sup> در واقع تئاتر دلچک سیاه چهره، به چیزهایی بیشتر از فقط سیاه کردن صورت یک نفر نیاز دارد. در اجرای آن شب، انصافی یا چهره ی بدون گریم و با حفظ عناصر دیگری که شخصیت او را متمایز میکند - لباس قرمز ساده، فارسی دست و پا شکسته اش، و طرز رفتار بدنش شروع کرد. تقریباً در نیمه های برنامه، وی با تشویق تماشاگران با روش تئاتری به کرم سیاه به پوست خود زد.<sup>۲۸</sup> اگرچه بازیگری او بدون تغییر باقی ماند، آنطور که از تشویق بلندترشان، خنده های شدیدتر و ملموسشان مشهود بود، تماشاگران از نیمه دوم نمایش بسیار بیشتر استقبال کردند

شرکت انصافی در سیاه بازی همچنان یک پروژه پر شور است برای او و همسرش و همچنین پسرشان امیرحسین انصافی که او هم روی صحنه فعالیت میکند. قبل از اینکه مکالمه ام را با انصافی تمام کنم، یزدان عاشوری مرا به کناری کشید و در مورد دلیل علاقه مندی من به این موضوع پرسید. به او گفتم که در مورد سیاه بازی و مقایسه آن با تئاتر دلچک سیاه چهره در امریکا مینوشتم. او گفت: " اوه خوبه، شما میتوانید به همه بگویید تفاوت ما با آن چقدر است. همه مدام میگویند این نژاد پرستانه است، اما ما میگوییم نه، این سنت است."<sup>۲۹</sup>

دیگر دوستداران سیاه بازی و حاجی فیروز مواضع دولت را موضوعی نمی دانند که انگیزه آن تمایلات ضد نژادپرستانه باشد. در عوض آنها جمهوری اسلامی را به گونه ای میبینند که مانع سرگرمی های عامیانه ی ملت میشود. اگرچه لباس پوشیدن به عنوان حاجی فیروز در ایران غیر قانونی نیست، مقامات گاهی حاجی فیروز را با توجه به قوانین خلاف عرف عمومی دستگیر میکنند، به ویژه اگر در حال اجرا - رقص، آواز و مانند آن - در فضاهای عمومی باشند. به این ترتیب، این دستگیری ها به صورت پراکنده انجام میشود و یکسان نیست. با این حال، آنها اغلب توسط طرفداران حاجی فیروز در اینترنت منتشر میشوند، جایی که این دستگیری ها به عنوان برخورد ناعادلانه بین یک سنت شاد و ساده در برابر یک دولت استبدادی توصیف میشود. به عنوان مثال، ایران گلوبال، یک رسانه آنلاین، تصویری از یک پلیس در حال دستگیری حاجی



فیروز را با عنوان زیر منتشر کرد: "بنابر گزارشات رسیده در شهر رشت یک حاجی فیروز... باعث شادی و خنده مردم شد، اما ماموران سرکوبگر رژیم به وی حمله کردند و او را دستگیر کردند." توضیح عکس حاجی فیروز را در نقش یک بی گناه نشان میدهد، که فقط میخواهد دیگران را خوشحال کند، نیتی که با حضور غالب جمهوری اسلامی در هم شکسته شده است

این موضع گیری مشترکی بود تا اینکه اخیرا که خواننده رپ ایرانی به نام هیچکس (سروش لشکری)، آهنگ "فیروز" را در سال ۲۰۱۵ میلادی (۱۳۹۳ شمسی) منتشر کرد

Hichkas - Fiروز



ملفت، "فیروز"، مارچ ۲۰۱۵، ویدئو یوتیوب ۳:۳۲ <https://www.youtube.com/watch?v=HxkncQCpzzc> <

<https://www.youtube.com/watch?v=HxkncQCpzzc>>

به جای طرح مساله حاجی فیروز به عنوان یک جنگ فرهنگی با جمهوری اسلامی، لشکری به شرایط اقتصادی که مردم را به پوشیدن لباس حاجی فیروز و تاریخچه اصلی برده داری که رفتار شخصیت را شکل میدهد، اشاره کرد. در حالی که برخی اجراهای رسمی نوروزی شامل حاجی فیروز است، بیشتر حاجی فیروز ها به طور معمول مردان جوان تر با پشتوانه ی ضعیف اقتصادی-اجتماعی هستند که بین اتوموبیل های گیر کرده پشت چراغ های راهنمایی رانندگی یا بیرون در پیاده رو ها اجرا میکنند تا در فصل تعطیلات قدری پول بیشتر در بیاورند. متن شعر لشکری جوانی را توصیف میکند؛ نان آور خانواده، که با رئیسش در مورد وضعیت مالی خود صحبت کرده و فایده ای نداشته، کسی که نمیتواند هزینه هایش را پرداخت کند، کسی که همه ی تلاش هایش به بن بست رسیده، و چاره ای جز از دست دادن عزت خود ندارد که به عنوان یک حاجی فیروز در خیابان ها اجرا کند

لشکری با کنایه تندی ادامه میدهد: "برقص، برقص، برقص / بگیریم برده داری رو جشن" و "حتما طرفای آفریقا هر روزشون نوروزه / آخه اینجوری حساب بکنی پر حاجی فیروزه". او سپس یک سری سوالات را شروع میکند، از جمله اشاره میکند "اجداد ما از کجا خریدنت؟" رپ لشکری دو عنصر وجود حاجی فیروز را در ایران منعکس میکند. - اول اینکه حاجی فیروز ها آفریقایی هایی را که به زور به ایران آورده شده بودند را مسخره میکنند، و دوم اینکه این عمل اصولا به دلیل شرایط اقتصادی که کارگران کم درآمد را بدون پشتوانه میکند در ایران ادامه دارد. احساسات لشکری مانند مهدی اخوان ثالث است که در سال ۱۹۵۱ میلادی (۱۳۳۰ شمسی)، شرحی به یک شعر نوروزی نوشت که در آن او نفرت خود را از اجرای حاجی فیروز شرح داده است که از تهران و برای مسخره کردن بردگان از تهران پدیدار شده است. اخوان ثالث تشریح کرد که خصومتش نسبت به کسانی که از گرسنگی مجبور به انجام این کار هستند نبوده، بلکه بیشتر به طور کلی به عنوان یک سنت است.<sup>۳۱</sup> در حالی که اخوان ثالث شکایات خود را در مجموعه نوشته هایش گم و گور کرد، آهنگ لشکری در ابعاد جهانی

صدا کرد، تقریباً بلافاصله بحث هایی را در شبکه های اجتماعی برانگیخت.<sup>۳۲</sup> برای طرفداران این سوال مطرح شد که آیا حاجی فیروز با بردگی ارتباط دارد، آیا حاجی فیروز بدون چهره ی سیاه شده هم همچنان میتواند حاجی فیروز باشد، و در مورد کل سنت چه باید کرد

سوال "حاجی فیروز کیست و از کجا آمده است؟" ما را به سمت هزاران توضیح پیچیده سوق میدهد، بسیاری تاریخ برده داری را به طور کلی پنهان یا نادیده میگیرند، که همه در تلاش برای مبرا کردن خود از لذت بردن از اجرای یک دلچک سیاه چهره هستند. شاید ما باید سوال را دوباره بنویسیم و بپرسیم: "حاجی فیروز کیست و چگونه او را رها کنیم؟" در نوروز غرفه ای را در پیک نیک سالانه نوروزی سیزده به در برپا کرد. مستقر در SWANA-LA 2019، یک سازمان فعال محلی به نام پارک میسون ارواین، یکی از بزرگترین مراکز نوروزی که هزاران نفر از ایرانیان خارج نشین در جنوب کالیفرنیا در آن جشن تابلوهایی با عنوان "حاجی فیروز نژادپرستانه است" و "ما باید حاجی فیروز را کنار بگذاریم" SWANA-LA میگیرند، اعضای به فارسی و انگلیسی نصب کردند. در حالی که برخی از حاضران پیام آنها را میپذیرفتند، دیگران این فعالان را تهدید کردند، پوسترهایشان را پاره کردند و به آنها توهین کردند. در یک برخورد، یک مرد نسبتاً مسن گریه کرد "چرا این کار را میکنید؟ من عاشق حاجی فیروز هستم، مرا خیلی خوشحال کرده، همه ی ما را خیلی خوشحال کرده است." <sup>۳۳</sup> آنها پاسخ دادند که خوشحالی شما نباید مبتنی بر یک کاریکاتور نژادپرستانه باشد، کار مهمی که برای برخی بیش از آنچه که باید سخت به نظر میرسد



نوروز "روز جدید"، مصادف با آغاز بهار و مصادف با اولین روز سال جدید است

نژادپرستی) "Iranian Racism: Its History and Its Lingering Legacy"، بیتا بقولی زاده ایرانی: تاریخش و میراث ماندگارش)، (کنفرانس بین المللی در مورد دیاسپورای ایرانی (اتحاد بین المللی در بیرون مرزها)، دانشگاه کالیفرنیا در لس آنجلس (یو سی ال ای)، ۲۰۱۲ میلادی (۱۳۹۱ شمسی)

"حاجی فیروز کیست و از کجا آمده؟"

این اشاره به گذشته زرتشتی عمیقاً در ملی گرایی ایرانی نهفته است. آیین زرتشت مذهبی با عظمت در پیش از اسلام بود و همچنان توسط اقلیت دینی در ایران و سراسر جهان رواج دارد. در دوران پهلوی، آیین زرتشت از نظر ابراز ملی گرایی پهلوی مورد توجه قرار گرفت و همچنان Exile and the Nation: The Parsi Community of India and the Making of Modern Iran (جامعه پارسی) (تبعید و ملت: ساخت ایران مدرن)، (آستین، انتشارات دانشگاه تگزاس، ۲۰۲۰ میلادی)

وجود بدون تغییر حاجی فیروز - صورت سیاه، لباس قرمز، دایره زنگی و طنین صدای زنگ دار) از بازگو کردن برده داری و نژاد پرستی قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم ایران جدایی ناپذیر دیدن نژاد و محو کردن برده داری: "Seeing Race and Erasing Slavery: Media and the Construction of Blackness in Iran, 1840-1960" (پایان نامه دکتر، دانشگاه پنسیلوانیا، ۲۰۱۸ میلادی) ۱۹۹-۲۰۴. انگلیتا ریس یک مطالعه تطبیقی درباره حاجی فیروز انجام داده است Angelita Reyes, "Performativity and Representation in Transnational Blackface: Mammy (USA), Zwarte Piet (Netherlands), and Haji Firuz (Iran). اجرا و نمایش درچهره سیاه فراملی: ممی (ایالت متحده آمریکا)، پیتز سیاه (هلند)، و حاجی فیروز (ایران). اقیانوس اطلس شناسی ۱۶، شماره ۴ (۲۰۱۹) ۵۵۰-۵۵۲

اکثر خواجه گان از آسیای جنوبی بودند که در دربار صفوی "سیاه" بودند (۱۷۳۶-۱۵۰۱)، Sussan Babaie, Kathryn Babayan, Ina Baghdiantz-McCabe, and Massumeh Farhad, Slaves of the Shah: New Elites of Safavid Iran (نیو یورک: ای بی تارس، ۲۰۰۴). بردگان شاه: نخبگان جدید ایران صفوی) قبل از عصر صفویه، شاعرانی که به زبان فارسی می نوشتند، از لفظ سیاه برای اشاره به مردم آفریقای شرقی یا آسیای جنوبی استفاده میکردند، بسته به کلمات مرتبط یا موقعیت. شاعران برای اشاره به مردم آسیای جنوبی لفظ سیاه را با هندو همراه میکردند یا برای مردم آفریقای شرقی با زنگی. به هفت پیکار نظامی (قرن دوازدهم - سیزدهم)، مثنوی مولوی (قرن سیزدهم)، گنجور مراجعه کنید، قابل دسترسی در ۱۵ آگوست ۲۰۲۰ <https://ganjoor.net/nezami/5ganj/7peykar/sh5> >https://ganjoor.net/nezami/5ganj/7peykar/sh5> .

دیدن نژاد و محو کردن برده داری)، "Seeing Race and Erasing Slavery"، بقولی زاده ۱۶۴-۲۰۶، گذار از طیف متنوعی از مردم برده، به تقریباً به طور انحصاری مردم آفریقای شرقی، همراه با ظهور آریائیزم در میان ملی گرایان ایرانی که از اواخر قرن نوزدهم آغاز شد، اواخر قرن نوزدهم، ایرانیان خود را نه سفید. دوگانه ی سیاه و سفیدی را ایجاد کرد. پیش از و نه سیاه میدیدند

برای بحثی در مورد ایدئولوژی های پیرامون افسانه ی آریایی، در قرن نوزدهم و اوایل قرن ظهور ناسیونالیسم ایرانی، نژاد و سیاست تغییر) Reza Zia Ebrahimi, The Emergence of Iranian Nationalism: Race and the Politics of Dislocation (نیو یورک، چاپ دانشگاه کولامبیا، ۲۰۱۶ مکان)

Maziar Shirazi, "A Review of Tarabnameh, or, Why Are Iranian-Americans Laughing at Blackface in 2016?" (میخندند؟) Ajam Media Collective, December 7, 2016, <https://ajammc.com/2016/12/07/why-are-iranian-americans-laughing-at-

این برای هر دو گروه خواجه گان آفریقایی شرقی یا قفقازی صدق میکند. برای مثال هایی از دربار قاجار رجوع کنید به احمد ابن فتح علی عضد الدوله، تاریخ عضدی، در شرح حالت زوجات و بنین و بنات خاقان (چاپ بمبایی، ۱۲۶۶)؛ دوست علی خان، معیرالممالک، خاطرات ناصرالدین شاه، (تهران: نقش جهان)، ۱۸؛ اعتماد السلطنه، روزنامه خاطرات اعتماد السلطنه، (تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۹)، ۵۲۶-۵۲۷

۱۰  
D

خواجه ای به نام حاجی فیروز در دربار ناصرالدین شاه (حدود ۱۲۲۷ - ۱۲۷۵ شمسی) به دیدن نژاد "Seeing Race and Erasing Slavery" عنوان خواجه خدمت کرد. بقولی زاده و محو کردن برده داری"، ۸۴. جستجوی فیروز یا مبارک در مطالب کتابخانه دیجیتال انگلیسی قطر اسامی معمول مردان برده در سراسر منطقه خلیج فارس در قرن نوزدهم از موارد برده داری III جمله ایران را نشان میدهد. برای مثال رجوع کنید به فایل های 5/191 تجارت برده، نامه نگاری با بوشهر در مورد برده ها و تقاضانامه ها و A/2 II فردی. فایل های گواهی های آزادسازی شان، کتابخانه دیجیتال قطر، تاریخ دسترسی ۱ آگوست ۲۰۲۰ میلادی qdl.qa

۱۱  
D

برای یک تاریخچه عکاسی از اینکه چگونه پرتره های خواجه گان، الهام بخش نقالان و دلچکان دیدن نژاد و محو کردن برده داری (۶۷-۱۱۴) "Seeing Race and Erasing Slavery" در سال های ۱۲۷۵ و ۱۲۸۵ شد، رجوع کنید به بقولی زاده

۱۲  
D

سعدی افشار، آنطور که برای لاله علم نقل شده است، عالیجناب سیاه: زندگی و خاطرات سعدی افشار (تهران: پوینده، ۲۰۱۲)، ۴۷-۴۸

۱۳  
D

عروسک های حاجی فیروز نشان میدهد که این شخصیت در دهه های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی "Poupée de chiffon, tunique de soie artificielle," Musée du quai Branly – Jacques Chirac, (عروسک پارچه، لباس ابریشم مصنوعی)، موزه کوای برانلی – ژاک شیراک)، تاریخ دسترسی ۴ فوریه ۲۰۱۹ <http://www.quaibranly.fr/fr/explorer-les-collections/base/Work/action/show/notice/799998-poupee-de-chiffon-tunique-de-soie-artificielle/page/1> < <http://www.quaibranly.fr/fr/explorer-les-collections/base/Work/action/show/notice/799998-poupee-de-chiffon-tunique-de-soie-artificielle/page/1> > ، Poupée représentant un danseur," Musée du quai Branly – Jacques Chirac (عروسک نشان دهنده رقصنده، موزه کوای برانلی، ژاک شیراک)، دهه ۱۹۶۰، تاریخ دسترسی ۴ فوریه ۲۰۱۹ <http://www.quaibranly.fr/fr/explorer-les-collections/base/Work/action/show/notice/73391-poupee-representant-un-danseur/page/1> < <http://www.quaibranly.fr/fr/explorer-les-collections/base/Work/action/show/notice/73391-poupee-representant-un-danseur/page/1> > ، که مرا از این عروسک ها Mira Xenia Schwerda با تشکر فراوان از > <http://www.quaibranly.fr/fr/explorer-les-collections/base/Work/action/show/notice/73391-poupee-representant-un-danseur/page/1> مطلع کرد

۱۴  
D

نمایش های تعزیه و دسته های عاشورا اشکال قدیمی تر تئاتر در ایران هستند، اما به دلیل اهمیت مذهبی شان، مثل حاجی فیروز یا سیاه بازی، در مجموعه ملی ثبت نشده اند. رجوع به The Martyrs of Karbala: Shi'i Symbols and Rituals in Modern Iran (کتابت به کامران آقایی)، انتشارات مدرن (سیاتل)، انتشارات Modern Iran (کتابت به کامران آقایی)، انتشارات مدرن (سیاتل)، انتشارات The Women of Karbala: Ritual Performance and Symbolic Discourses in Modern Shi'i Islam (کتابت به کامران آقایی)، انتشارات مدرن (سیاتل)، انتشارات The Women of Karbala: Ritual Performance and Symbolic Discourses in Modern Shi'i Islam (کتابت به کامران آقایی)، انتشارات مدرن (سیاتل)، انتشارات William O. Beeman, Iranian Performance Traditions (کتابت به کامران آقایی)، انتشارات مدرن (سیاتل)، انتشارات Kelsey Rice, "Emissaries of Enlightenment: Azeri Theater Troupes in Iran and Central Asia" (کتابت به کامران آقایی)، انتشارات مدرن (سیاتل)، انتشارات Kelsey Rice, "Emissaries of Enlightenment: Azeri Theater Troupes in Iran and Central Asia" (کتابت به کامران آقایی)، انتشارات مدرن (سیاتل)، انتشارات کلسی رایس، فرستادگان روشننگری: گروه های تئاتر آذری در ایران و آسیای میانه ۱۹۰۶-۱۹۴۴، ایران شناسی، ۲۰۲۰

۱۵  
D

افشار، عالیجناب سیاه: زندگی و خاطرات سعدی افشار.

۱۶  
D

خمینی در آبان ماه ۱۳۴۳ شمسی تبعید شد و در بهمن ماه ۱۳۵۷ به ایران بازگشت. وی از نجف و پاریس سخنرانی میکرد و در آنجا حکومت شاه را به ایالات متحده مرتبط اعلام میکرد

۱۷  
D

- تا زمانی که برای انقلاب به ایران بازگشت. ارون آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب (پرینستون، انتشارات دانشگاه پرینستون، ۱۹۸۲) ۴۴۵، ۴۶۱
- ۱۸ احساسات منفی در مورد این سیاست ها فراتر از مقررات مربوط به حاجی فیروز رفت. ناهید صیام دوست در مورد تغییراتی که در دامنه وسیع مقررات موسیقی پس از انقلاب اسلامی ناهید صیام دوست، موسیقی متن انقلاب: سیاست های Nahid Siamdoust, Soundtrack of the Revolution: The Politics of Music in Iran، انجام شده است بحث میکند (موسیقی در ایران، (پالو آلتو: انتشارات دانشگاه استنفرد، ۲۰۱۷)
- ۱۹ از لغت اوستایی گرفته شده برای "کسی که Siiāuuaršan" شکل اصلی سیاوش "سیاورسان کیانیان"، "KAYĀNIĀN vi. Siiāuuaršan, Siyāwaxš, Siāvaš,". اسب نر سیاه دارد تاریخ (Encyclopaedia Iranica) سیاورسان، سیاوش، سیاوخش، دایره المعارف ایرانیکا < <https://www.iranicaonline.org/articles/kayanian-vi> > دسترسی در ۱۵ آوریل ۲۰۲۰ < <https://www.iranicaonline.org/articles/kayanian-vi> > .
- ۲۰ پادشاهان)، رجوع کنید به جلال خالقی مطلق، ابو قاسم فردوسی: شاهنامه (کتاب نیویورک، ۲۰۰۷، SUNY انتشارات
- ۲۱ قابل دسترسی، ۵۵۱۰۵۵۲، XI/5، محمود امید سالار، "حاجی فیروز". دایره المعارف ایرانیکا < <http://www.iranicaonline.org/articles/haji-firuz> > در ۳۰ دسامبر ۲۰۱۲ < <http://www.iranicaonline.org/articles/haji-firuz> > .
- ۲۲ مجموعه نویسنده، از ۱۳۷۳ - ۱۳۹۴
- ۲۳ با تشکر فراوان از علی کارجو-راوری برای ملحق شدن به من
- ۲۴ جواد انصافی، نوید بهار: نمایش سیاه بازی نوروز و پیروز (تهران، چاپ مهرنگ، ۱۳۹۲)، ۳۳. ترجمه توسط نویسنده
- ۲۵ ممکن است مورد توجه قرار گرفته باشد که تکیه کلی به چهره سیاه مثل عروسک ها با تصاویر با اجراهای انسانی نیاز نیست. به جایش، بازیگری فرد میتواند مخاطب را متوجه این کند که او یک سیاه است و نه یک شخص معمولی در لباس قرمز
- ۲۶ اگرچه انصافی اخیرا در استفاده از صورت سیاه روی صحنه آزادی بیشتری داشته است، برنامه های تلویزیون دولتی به طور کلی از آن اجتناب میکنند
- ۲۷ گفتگو با جواد انصافی، تئاتر محراب، تهران، ۳۰ دسامبر ۲۰۱۵ میلادی (۹ دی ماه ۱۳۹۴ شمسی)
- ۲۸ چله زری و عمو چله جون (شب یلدا)، تئاتر محراب، تهران، ۳۰ دسامبر ۲۰۱۵ میلادی (۹ دی ماه ۱۳۹۴ شمسی)
- ۲۹ گفتگو با فروغ یزدان عاشوری، تئاتر محراب، تهران، ۳۰ دسامبر ۲۰۱۵ میلادی (۹ دی ماه ۱۳۹۴ شمسی)
- ۳۰ دستگیری یک حاجی فیروز در رشت + عکس "، ایران گلوبال، ۱۳ مارچ ۲۰۱۳ میلادی (۲۳) < <https://iranglobal.info/node/17066> > (اسفند ۱۳۹۱ شمسی < <https://iranglobal.info/node/17066> > .
- ۳۱ "Seeing، مهدی اخوان ثالث، ارغنون: مجموعه شعر (تهران، مروارید، ۱۳۳۰)، بقولی زاده دیدن نژاد و محو کردن برده‌داری)، (۲۰۳) "Race and Erasing Slavery"
- ۳۲ (توییت، ۱۶ مارچ ۲۰۱۵ میلادی (۲۵ اسفند ماه ۱۳۹۳ شمسی، @HichkasOfficial < <https://twitter.com/HichkasOfficial/status/578312152429293569> > < <https://twitter.com/HichkasOfficial/status/578312152429293569> > .
- ۳۳ اعضای "، @swanalosangeles، پونه بهین، ۱ آوریل ۲۰۱۹، SWANA-LA گفتگو با عضو



---

## Author Information

### بی‌تا بقولی‌زاده

بی‌تا بقولی‌زاده (دکترای تاریخ، دانشگاه پنسیلوانیا)، استادیار تاریخ و مطالعات آفریقا در دانشگاه باک‌نل است. او در حال حاضر در حال کار بر روی پروژه کتاب خود با عنوان (عنوان قطعی نشده)، رنگ سیاه: به بردگی گرفتن و محو کردن در ایران است. دکتر بقولی‌زاده مدیر آرشیو دیجیتال عجم، و هنرمند خالق "نامه‌های دیاسپورا" است. او به عنوان تاریخ‌دان همراه جمعیت ایرانیان پیدا کنید @Beetasays سیاه پوست فعالیت میکند. او را در توئیتر در

View all of Beeta Baghoolizadeh's articles. < <https://csalateral.org/author/beeta-baghoolizadeh/>>

---

*Lateral* is the peer-reviewed, open access journal of the Cultural Studies Association.

ISSN 2469-4053